

## گناهان منسوب به هارون در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم) و توجیهات آن‌ها در آگادا و تحقیقات جدید کتاب مقدس

مظاهر احمد توبی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶)

### چکیده

در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم)، برخی گناهان به انبیاء نسبت داده شده است. این گناهان در آگادا توجیه شده‌اند و در تحقیقات برخی از محققان جدید کتاب مقدس نیز می‌توان برای برخی از آن‌ها توجیهاتی را پیدا کرد. با توجه به اهمیت این موضوع از یک طرف، و با توجه به اهمیت هارون از طرف دیگر، این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی و انتقادی، بر آن است که گناهان منسوب به هارون در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم) و توجیهات آن‌ها در آگادا و تحقیقات جدید کتاب مقدس را مورد بحث قرار دهد. در عهد قدیم سه گناه به هارون نسبت داده شده است. در تحقیقات جدید کتاب مقدس، این گناهان هارون یا مجادله یا افسانه و یا نقش هارون در آن ناروشن دانسته شده است؛ اما در آگادا، این سه گناه هارون، به خاطر وحی الهی و خطاناپذیر دانسته شدن کتاب مقدس، واقعیت تاریخی تلقی شده است. توجیهات گناهان منسوب به انبیاء از جمله هارون در کتاب مقدس عبری توسط ربی‌های آگادا با اصل‌های خطاناپذیری کتاب مقدس و خطاناپذیری انبیاء به عقیده آن‌ها همخوانی ندارد، زیرا که اگر کتاب مقدس عبری خطاناپذیر و انبیاء خطاپذیر باشند، در این صورت گناهان ثبت‌شده انبیاء در کتاب مقدس درست هستند و نیازی به توجیه ندارند.

واژگان کلیدی: کتاب مقدس عبری، هارون، گناه، آگادا، تحقیقات جدید کتاب مقدس، توجیه.

### ۱- مقدمه

یکی از موضوعات مهم در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم) انبیاء است. در میان مباحث مختلف مربوط به انبیاء، یکی از مباحث مهم خطاپذیری یا خطاناپذیری انبیاء است، این که آیا انبیاء خطاناپذیر هستند یا خطاپذیر؟ اگر انبیاء خطاناپذیر هستند، دلایل آن چیست؟ حیطة خطاناپذیری انبیاء تا کجا است؟ اگر انبیاء خطاپذیر هستند، دلایل آن چیست؟ رابطه خطاپذیری انبیاء با وحی چگونه است؟ و غیره.

در کتاب مقدس عبری، برخی گناهان به انبیاء از جمله آدم، نوح، ابراهیم و... نسبت داده شده است. ربّی‌های (rabbis) آگادا (Aggadah) تعدادی از این گناهان را ذکر کرده و به توجیه آن‌ها پرداخته‌اند و در تحقیقات برخی از محققان جدید کتاب مقدس نیز می‌توان برای برخی از آن‌ها توجیهاتی را پیدا کرد. با توجه به اهمیت این موضوع، به طور عام، از یک طرف، و با توجه به اهمیت هارون، به طور خاص، از طرف دیگر، این مقاله، با روش توصیفی و تحلیلی و انتقادی، بر آن است که گناهان منسوب به هارون در کتاب مقدس عبری (عهد قدیم) و توجیهات آن‌ها در آگادا و تحقیقات جدید کتاب مقدس را مورد بحث قرار دهد. سؤالاتی که این مقاله در صدد پاسخ به آن‌ها است عبارتند از: دیدگاه ربّی‌های قدیمی یهود در مورد خطاپذیری یا خطاناپذیری کتاب مقدس عبری و انبیاء چیست؟ چه گناهایی در کتاب مقدس عبری به هارون نسبت داده شده و در آگادا و تحقیقات محققان جدید کتاب مقدس چه توجیهاتی را می‌توان برای آن‌ها پیدا کرد؟ در مورد گناهان منسوب به هارون در کتاب مقدس عبری و توجیهات ارائه شده از آن‌ها در آگادا و تحقیقات جدید کتاب مقدس چه تحلیل و ارزیابی‌ای را می‌توان به دست داد؟

تا آنجا که امکان جست‌وجو بوده است، در مورد موضوع این مقاله پژوهشی یافت نشده است. متون کتاب مقدسی نقل شده در این پژوهش از ترجمه کتاب مقدس، یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید، که از زبان‌های اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی ترجمه شده است، (۱۹۸۸-۱۹۸۶م، لندن: انجمن پخش کتب مقدسه) است و از توضیحات پاورقی دیگر ترجمه‌های کتاب مقدس نیز استفاده شده است.

در ابتدا در مورد دیدگاه ربّی‌های قدیمی یهود یا اعتقاد سنتی یهود در مورد کتاب مقدس عبری و انبیاء توضیحاتی ارائه داده خواهد شد. سپس از هارون و گناهایی که در کتاب مقدس عبری به او نسبت داده شده، و توجیهاتی که از هر کدام از آن‌ها در آگادا و

تحقیقات محققان جدید کتاب مقدس آمده است، سخن به میان خواهد آمد. در ادامه در مورد گناهان منسوب به هارون در کتاب مقدس عبری و توجیحات ارائه شده از آن‌ها در آگادا و تحقیقات جدید کتاب مقدس تحلیل و ارزیابی‌ای به دست داده خواهد شد.

## ۲- خطاناپذیری کتاب مقدس عبری

«موسی تورات را از کوه سینا دریافت کرده است» (Talmud, Babylonian, Avot 1: 1). با وجود این، کتاب آپوکریفایی یا قانونی ثانی یسوع بن سیرا تورات را با حکمت تشخیص یافته ازلی یکی می‌داند (کتاب‌هایی از عهد عتیق (کتاب‌های قانونی ثانی) بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ۱: ۱-۵، ۲۶؛ ۱۵؛ ۱: ۲۴؛ ۱ و آیات بعدی؛ ۳۴: ۸، نک: کتاب امثال سلیمان ۸: ۲۲-۳۱). در ادبیات ربّانی، تورات یکی از شش یا هفت چیزی (تورات، توبه، بهشت عدن، گهَنه (Gehenna)، عرش جلال و معبد اورشلیم، اسم مسیحا) است که قبل از خلقت جهان خلق شده است (Midrash, Midrash (Rabbah, Bereishit Rabbah 1: 4; Talmud, Babylonian, Pesachim, 54a).

بنابر اعتقاد ربانیون قدیمی یهود و دیدگاه سنتی یهود، خدا کتاب مقدس را شفاهاً، کلمه به کلمه، به موسی و پیامبران وحی کرده است (آنترمن، ۶۹؛ میشل، ۲۶-۲۷). موسی بن میمون یا رامبام (Moses Maimonides or Rambam) در کتاب تفسیر میشنا (Commentary on the Mishnah) سیزده اصل اعتقادی را بر می‌شمرد که اصل هشتم و نهم آن، به ترتیب، عبارتند از: «کلّ تورات از جانب خدا به موسی داده شد»؛ «تورات تغییرناپذیر است.»

Ani Ma'amin (من اعتقاد دارم) مبتنی بر این سیزده اصل اعتقادی احصا شده توسط ابن میمون است. در «من اعتقاد دارم» هشتم و نهم آن، به ترتیب، آمده است: «من استوارانه اعتقاد دارم که کلّ تورات، که ما اینک در اختیار داریم، همان است که به موسی معلم ما، که خدا پیامرزدش، داده شد.» «من استوارانه اعتقاد دارم که این تورات تغییر داده نخواهد شد، و هیچ تورات دیگری وجود نخواهد داشت که توسط آفریدگار، نام او متبارک باد، داده شود.» (Birnbaum, 50, 51). مایکل فریدلندر (Michael Friedländer) در تفسیر «من اعتقاد دارم» هشتم می‌نویسد: «تورات دست‌خوش هیچ تغییری نشده است. آن را به عنوان خزانه مقدس، قوم بنی‌اسرائیل با اشتیاق حفظ کرد. آن دارایی یک طبقه یا کاست نبود، بلکه از آن همه بود. حتی در

دوره‌های فساد و بت پرستی مردانی وجود داشتند که به تورات وفادار می‌ماندند، آن را به طور کامل می‌دانستند، و، اگر شخصی جرئت می‌کرد که این خزانه مقدس را تحریف کند، به آسانی از هرگونه تحریفی پرده بر می‌داشتند.» (Friedländer, Text-Book of the Jewish Religion, 45). نیز او در تفسیر «من اعتقاد دارم» نهم می‌نویسد: «این اصل اعلان اعتقاد ما به تغییرناپذیری تورات است. خدای تغییرناپذیر، تورات تغییرناپذیر را نیز به ما داد. همه انبیاء به بنی اسرائیل توصیه کردند که به تورات وفادار بمانند، و آخرین انبیاء از جانب خدا می‌گویند: «تورات بنده من موسی را که آن را با فریاض و احکام به جهت تمامی اسرائیل در حوریب امر فرمودم بیاد آورید.» (کتاب ملاکی نبی ۴: ۴) (Friedländer, Text-Book of the Jewish Religion, 46).

### ۳- خطا پذیری انبیاء

در یهودیت نبی شخصی است که پیام الهی را دریافت می‌کند و وظیفه دارد که آن را به هموعانش ابلاغ کند. فرآیندی که انبیاء به وسیله آن از اراده خدا آگاه می‌شوند الهام (Inspiration) خوانده می‌شود، و نبی انسان الهام یافته، یعنی، انسان دارای روح خدا، است. همه انبیاء مثل هم نبوده‌اند؛ آن‌ها دارای درجات متفاوتی از الهام نبوی بوده‌اند. اگرچه درجات الهام نبوی انبیاء متفاوت بوده است، اما یک چیز در مورد همه آن‌ها مشترک بوده است، و آن این است که کلمات همه آن‌ها درست بوده است. این نکته در اصل ششم از سیزده اصل اعتقادی یهودی به شرح زیر بیان شده است: «من استوارانه اعتقاد دارم که همه کلمات انبیاء درست هستند.» (Friedländer, Text-Book of the Jewish Religion, 43, 44).  
با این همه، «نبی انسان بود؛ او، مثل هر شخص دیگری، در معرض وسوسه گناه و در معرض خطا بود. گناهان و خطاهای انبیاء ثبت شده‌اند تا وقتی که ما از گناهکاری مان آگاه می‌شویم مانع ناامیدی ما شوند، و راه توبه را به ما نشان دهند. این موضوع به ویژه در سرگذشت یوناه [یونس] نبی توضیح داده شده است. ثبت گناهان انبیاء به عنوان هشدار عمل می‌کنند که ما نباید هیچ انسانی را کامل بدانیم یا او را به مقام خدایی برسانیم.» (Friedländer, The Jewish Religion, 51).

### ۴- هارون

در کتاب مقدس، هارون به عنوان سخنگوی («نبی») موسی در برابر بنی اسرائیل (سفر

خروج ۴: ۱۵-۱۶) و در برابر فرعون مصر (همان ۷: ۱-۲) عمل می‌کند. او از خدا وحی دریافت می‌کند که به ملاقات موسی که از مدیان باز می‌گردد برود (همان ۴: ۲۷)، و این دو برادر با هم در برابر قوم بنی‌اسرائیل حاضر می‌شوند، و هارون معجزاتش را در حضور آن‌ها انجام می‌دهد (همان ۴: ۲۸-۳۰). بعداً، او معجزاتی را در حضور فرعون انجام می‌دهد. عصای او به ماری تبدیل می‌شود که عصاهای ماری ساحران مصری را می‌بلعد (همان ۷: ۹-۱۲). در ده بلایی که بر سر مصریان فرود می‌آید، هارون در بلای اول (خون) به طور مشترک با موسی عمل می‌کند (همان ۷: ۱۹ و آیات بعد)، در دو بلای بعدی (قورباغه و پشه) به تنهایی عمل می‌کند (همان ۸: ۱ و آیات بعد، ۱۶ و آیات بعد)، در بلاهای ششم (دُمَل) و هشتم (ملخ) با موسی شرکت دارد (همان ۹: ۸ و آیات بعد؛ ۱۰: ۳ و آیات بعد)، و در بلاهای پنجم (طاعون) و نهم (تاریکی) اصلاً ظاهر نمی‌شود (همان ۹: ۱-۷؛ ۱۰: ۲۱ و آیات بعد). در مورد سایر بلاها، یعنی بلاهای چهارم (مگس)، هفتم (تگرگ) و دهم (مرگ نخست‌زاده‌ها)، او صرفاً دستیار منفعل برادرش است (همان ۸: ۲۰ و آیات بعد؛ همان ۹: ۱۳ و آیات بعد؛ همان ۱۱: ۱ و آیات بعد) (Sarna, 1/208).

خدا اغلب موسی و هارون را با هم (سِفْر خروج ۹: ۸-۱۰؛ همان ۱۲: ۱، ۴۳؛ سِفْر لاویان ۱۱: ۱؛ همان ۱۳: ۱؛ همان ۱۴: ۳۳؛ همان ۱۵: ۱؛ و در جاهای دیگر) و، گاهی اوقات، حتی هارون را به تنهایی خطاب می‌کند (همان ۱۰: ۸؛ سِفْر اعداد ۱۸: ۱، ۸). در سِفْر خروج ۱۷: ۱۲، هارون به عنوان جانشین موسی در جنگ بنی‌اسرائیل علیه عمالیقی‌ها عمل می‌کند. در سِفْر خروج ۲۴: ۱۴، او به عنوان قاضی در غیاب موسی عمل می‌کند (Sarna, 1/209).

موسی به امر خدا هارون و پسرانش (ناداب، ابیهو، العازار و ایتامار) را به عنوان کاهن تعیین می‌کند و برای این مقام تقدیس می‌نماید (سِفْر خروج ۲۸-۲۹؛ سِفْر لاویان ۸-۹). در سِفْر اعداد ۱۷: ۱-۱۳، موسی مشروعیت مقام کهنانت هارون را تأیید می‌کند: او نام‌های قبایل را بر روی دوازده عصا می‌نویسد، اما تنها عصای قبیله لاوی، که نام هارون را دارد، شکوفه می‌آورد.

ناداب و ابیهو پسران هارون، به علت استفاده از آتش غیر مجاز در حضور خدا، در صحرای سینا می‌میرند، ولی او خاموش می‌ماند (سِفْر لاویان ۱۰: ۱-۳؛ سِفْر اعداد ۳: ۴؛ همان ۲۶: ۶۱؛ کتاب اول تواریخ ایام ۲۴: ۲). آگادا بر نیروی معنوی زیاد هارون در هنگام مرگ این دو پسرش تأکید می‌کند؛ او این دو بچه‌اش را غرق در خون دید ولی ساکت ماند (Midrash, Midrash Rabbah, Vayikra Rabbah 20: 4).

در ادبیات خارج از اسفار خمسه، نام هارون با نام موسی به عنوان حاملان رسالت الاهی همراه است (صحیفه یوشع ۲۴: ۵؛ کتاب اول سموئیل ۱۲: ۶، ۸؛ کتاب میکاه نبی ۶: ۴؛ کتاب مزامیر ۷۷: ۲۰؛ همان ۱۰۵: ۲۶؛ همان ۱۰۶: ۱۶) (Sarna, 1/209). هارون، مثل موسی و مریم، «با دهان خداوند» مرد، که نشان می‌دهد او با یک بوسه [ی خداوند]، و نه با دست فرشته مرگ مرده است (Talmud, Babylonian, Bava Batra 17a: 3). با وجود همه آنچه که گفته شد، آگادا به تعدادی از گناهان هارون که در کتاب مقدس آمده‌اند اشاره می‌کند و به توجیه آن‌ها می‌پردازد.

## ۵- گناهان هارون در کتاب مقدس عبری و توجیحات آن‌ها در آگادا و تحقیقات جدید کتاب مقدس

### ۵-۱. هارون و ساختن گوساله طلایی

بر طبق روایت گوساله طلایی، موسی از کوه سینا بالا می‌رود تا الواح ده فرمان را دریافت کند. او چهل روز و شب را در آنجا می‌گذراند (سفر خروج ۲۴: ۱۲-۱۶ و ۱۸). موسی در بازگشت به اردوگاه تأخیر می‌کند. این امر قوم بنی‌اسرائیل را نگران می‌کند. لذا آن‌ها از هارون درخواست می‌کنند که برای آن‌ها خدایی را بسازد که پیش روی آن‌ها بخرامد، زیرا که نمی‌دانستند بر سر رهبرشان چه پیش آمده است. هارون تسلیم اصرار آن‌ها می‌شود و برای آن‌ها مجسمه‌ای به شکل گوساله می‌سازد که باعث ارتداد آن‌ها می‌شود (سفر خروج ۳۲: ۱-۳۵؛ سفر تثنیه ۹: ۸-۲۹). اسفار خمسه هارون را به‌خاطر این ارتداد محکوم می‌کند: «و خداوند قوم را مبتلا ساخت زیرا گوساله‌ای را که هارون ساخته بود، ساخته بودند.» (سفر خروج ۳۲: ۳۵)؛ «و خداوند بر هارون بسیار غضبناک شده بود تا او را هلاک سازد، و برای هارون نیز در آن وقت دعا کردم.» (سفر تثنیه ۹: ۲۰). گناه گوساله طلایی آنقدر مهم است که بنابر تلمود، «هیچ دوره‌ای نیست که در آن ذره‌ای از گناه گوساله طلایی وجود نداشته باشد.» (Talmud, Jerusalem, Taanit, contents, Venice, 68c 4: 5: 2; Cohen, 96)؛ «هیچ کیفری را پیدا نمی‌کنید که به جهان برسد که در آن یک بیست و چهارم مازاد لیترای (Litra)<sup>۱</sup> گوساله اول وجود نداشته باشد.» (Talmud, Babylonian, Sanhedrin 102a: 15).

۱. در تلمود، لیترای واحد اندازه‌گیری، معادل ۶۰ شیکل، با وزن ۳۵۴ گرم (۱۲،۵ اونس) است.

بنابر تحقیقات جدید کتاب مقدس، روایت گوساله طلایی هارون نه تاریخ توصیفی بلکه مجادله بر علیه آیینی است که یَرَبَعَام اول (Jeroboam I) دوران سلطنت: ۹۲۸-۹۰۷ قبل از تاریخ متداول) آن را برقرار کرده است (Abrahams, 14/525). این روایت معمولاً با دو گوساله طلایی‌ای که قرن‌ها بعد پادشاه یَرَبَعَام اول آن‌ها را ساخت و در شهر دور شمالی دان و در شهر مرکزی بیت‌ئیل بر پا کرد (کتاب اول پادشاهان ۱۲: ۲۵-۳۳)، ربط داده می‌شود (Greenstein, "Aaron", 1/2). شباهت بین داستان گوساله طلایی هارون و داستان دو گوساله طلایی بر پا شده توسط یَرَبَعَام اول در بیت‌ئیل و دان (نک: به‌ویژه سفر خروج ۳۲: ۴ قسمت دوم، ۸ قسمت دوم؛ کتاب اول پادشاهان ۱۲: ۲۸ قسمت دوم) نشان‌دهنده رابطه تکوینی بین این دو داستان است. از آنجا که روایت یَرَبَعَامی آشکارا دیدگاه سنت اورشلیمی را نشان می‌دهد (که عقیده آن درباره گوساله‌ها در ادبیات شمالی-بنی‌اسرائیلی قبل از کتاب هوشع نبی ۸: ۵-۶؛ ۱۳: ۲ اثبات نشده است)، می‌توان نتیجه گرفت که شکل کنونی داستان گوساله طلایی هارون نشان‌دهنده مجادله آن‌ها بر علیه گوساله‌های شمال است (Greenberg, 6/622)، به عبارت دیگر، مجادله‌ای است که، احتمالاً کاهنان شیلوه (Shiloh) که مخالف معابد یَرَبَعَام بودند، آن را بر علیه خاندان کاهنی هارون بر له کاهنان لای معطوف کردند (Smith, 32:1-35). از نظر نویسندگان یهودیه‌ای این مجادله ضد شمالی، عهد شکسته شده بود؛ گوساله و ده فرمان نمی‌توانستند در کنار هم وجود داشته باشند (Abrahams, 14/525). بنابراین، این داستان گوساله طلایی هارون نمی‌تواند قدیمی‌تر از تقسیم کشور پادشاهی، بعد از مرگ سلیمان باشد (Greenberg, 6/622).

نیز در تحقیقات جدید کتاب مقدس، به عقیده سارنا (Sarna)، باب ۳۲ سفر خروج، که در آن هارون تسلیم اصرار قوم بنی‌اسرائیل می‌شود و گوساله طلایی را می‌سازد که باعث ارتداد آن‌ها می‌شود، از یک طرف، بر مسئولیت سنگین هارون در این حادثه تأکید می‌کند. او هیچ کوششی نمی‌کند که قوم بنی‌اسرائیل را از اصرار بر ساختن خدایی که پیش روی آن‌ها بخرامد منصرف کند، بلکه به آن‌ها می‌گوید که گوشواره‌های طلا را که در گوش زنان و پسران و دختران آن‌ها است، نزد او بیاورند. او آن‌ها را از دست آن‌ها می‌گیرد، و آن‌ها را با قلم نقش می‌کند، و از آن‌ها گوساله ریخته‌شده می‌سازد و بعد هم مذبحی پیش آن بنا می‌کند و ندا در می‌دهد که 'فردا، عید یهوه می‌باشد.' (سفر خروج ۳۲: ۲-۵). بر خطاکاری او سه بار تأکید می‌شود (همان ۳۲: ۲، ۲۵ و ۳۵)، و تضاد بین

اعمال او و وفاداری غیورانهٔ قبیلهٔ لایوی آشکار است (همان ۳۲: ۲۶-۲۹). هیچ کسی از قبیلهٔ لایوی گوساله را پرستش نکردند (Talmud, Babylonian, Yoma 66b: 15, 17). از طرف دیگر، خدا بر هارون غضبناک شده، می‌خواست او را بکشد، ولی موسی دعا می‌کند و خدا او را می‌بخشد (سفر تثنیه ۹: ۲۰). از طرف دیگر، تمایل چشمگیری برای کم‌اهمیت نشان دادن سهم هارون در این حادثه وجود دارد. اقدام برای بت از مردمی سرچشمه می‌گیرد که با هارون با تهدید صحبت می‌کنند (همان ۳۲: ۱). آن‌ها، نه او، بلکه گوساله را با خدا یکی می‌گیرند (همان ۳۲: ۴). او در پرستش آن شرکت نمی‌کند و در اعلام جرم خدا علیه مردم از او نام برده نمی‌شود (همان ۳۲: ۷ و آیات بعد)؛ و اسم او در شفاعت موسی هم برده نمی‌شود (همان ۳۲: ۱۱-۱۴، ۳۱-۳۲). ساختن گوساله به مردم نسبت داده می‌شود (همان ۳۲: ۲۰؛ نک: سفر تثنیه ۹: ۲۱) و نیز چنان توصیف می‌شود که گویی شکل ویژهٔ گاومانندی تقریباً بر حسب اتفاق بیرون می‌آید (سفر خروج ۳۲: ۲۴) (Sarna, 1/209). بر طبق آیهٔ «... این گوساله بیرون آمد» (همان)، هارون مسئولیت ساختن گوساله را انکار می‌کند؛ آن خودش را ساخت. برخی در اینجا شاهی را برای روایتی از این داستان می‌بینند که در آن گوساله به‌شکلی فراطبیعی ساخته شد، مثل میدراش‌هایی (Midrash) که توصیف می‌کنند که چطور خیمهٔ مقدس و معبد سلیمان خودشان را بنا کردند و ساختند (Tigay, 185 {Exodus 32: 24}). باوجود شرکت هارون، او نه مجازات شد و نه از مقام کهنات سلب صلاحیت شد. همین تمایل به کم‌اهمیت نشان دادن شرکت هارون در پرستش گوساله در روایت شعری این داستان وجود دارد (کتاب مزامیر ۱۰۶: ۱۹-۲۲؛ نک: ۱۰۶: ۱۶؛ کتاب نحمیا ۹: ۱۸) (Sarna, 1/209).

و اما میدراش به طرق مختلفی سعی می‌کند که هارون را از هرگونه گناهی در حادثهٔ گوسالهٔ طلایی تبرئه کند (Goitein, 1/211)، زیرا که بنابر ده فرمان، «ترا خدایان دیگر غیر از من نباشد. صورتی تراشیده و هیچ تمثالی از آنچه بالا در آسمان است، و از آنچه پایین در زمین است، و از آنچه در آب زیر زمین است، برای خود مساز. نزد آنها سجده مکن، و آنها را عبادت منما...» (سفر خروج ۲۰: ۳-۵؛ نیز نک: سفر تثنیه ۵: ۷-۹) و بنابر تلمود، بت پرستی یکی از سه گناه کبیره‌ای (دو تای دیگر زنا و قتل هستند) است که انسان باید جان خود را از دست بدهد ولی مرتکب یکی از آن‌ها نشود (Talmud, Babylonian, Sanhedrin 74a: 12)؛ و نیز در تلمود آمده است: «اگر پیامبری به تو بگوید: به طور موقت احکام تورات را نقض کن، به حرف او گوش بده، به



جز در مورد بت پرستی، و حتی اگر او ثابت کند که پیامبری راستین است و خورشید را در وسط آسمان برای تو نگه دارد، نیز به حرف او گوش مده.» (Talmud, Babylonian, Sanhedrin 90a: 10).

توجیحات آگادا در مورد ساختن گوساله طلایی توسط هارون گاهی مبتنی بر دلایل ساختن آن توسط او و گاهی مبتنی بر عواقب ساختن آن برای او است. توجیه ساختن گوساله طلایی از طریق تاوان پس دادن هارون مبتنی بر کیفر گناه در کتاب مقدس است، آنجا که گفته شده است: «گناه را هرگز بی‌سزا نخواهد گذاشت، بلکه خطایای پدران را بر پسران و پسران پسران ایشان تا پشت سیّم و چهارم خواهد گرفت» (سِفْر خروج ۳۴: ۷). نیز این توجیحات گاهی مبتنی بر دلایلی در حیطة اختیار هارون و گاهی مبتنی بر دلایلی خارج از حیطة اختیار او است. همچنین این توجیحات گاهی مبتنی بر دلایل طبیعی و گاهی مبتنی بر دلایل ماوراء طبیعی است.

تفاوت دیدگاه تحقیقات جدید کتاب مقدس در مورد روایت گوساله طلایی مبنی بر تاریخ توصیفی نبودن آن و دیدگاه آگادا در مورد آن مبنی بر تاریخ توصیفی بودن آن از آنجا ناشی می‌شود که از نظر دومی، برخلاف اولی به طور کلی، کتاب مقدس عبری وحی الهی و خطاناپذیر است. از این رو، به عقیده آن، هارون مرتکب این گناه و دیگر گناهان شده است و لذا برای کم کردن بار منفی این گناهان او و دیگر انبیاء دست به توجیه آن‌ها می‌زند.

۱- برخی از ربّی‌ها ابتکار عمل در درخواست بت را به گروهی مختلط نسبت می‌دهند که در زمان خروج از مصر به بنی‌اسرائیل پیوستند (سِفْر خروج ۱۲: ۳۸). هنگامی که موسی از کوه بالا می‌رفت، به بنی‌اسرائیل گفت: «در روز چهارم و ساعت ششم آن روز من باز خواهم گشت.» چهل هزار نفر از مردم جمع شده بودند تا با بنی‌اسرائیل مصر را ترک کنند، و در میان آن‌ها دو مصری به نام یَنیس (Jannes) و مَمْبَریس (Mambres) بودند، که کارهای جادویی برای فرعون انجام داده بودند، همچنان که مکتوب است: «او جادوگران مصر به افسون‌های خویش هم چنین کردند» (سِفْر خروج ۷: ۲۲). همه آن‌ها دور هارون جمع شدند و ادعا کردند که اینک ساعت ششم از روز چهارم از زمانی است که موسی رفته است، ساعتی که او قبلاً برای بازگشت خود تعیین کرده بود. آن‌ها ادعا کردند که از آنجا که او هنوز نیامده است، هرگز نخواهد آمد. لذا آن‌ها «وی [هارون] را گفتند: بُرخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند، زیرا این مرد، موسی، که ما را از زمین مصر

بیرون آورد، نمی‌دانیم او را چه شده است» (سِفْرُ خُرُوج ۳۲: ۱) (Midrash, Midrash Tanchuma, Ki Tisa, Siman 19: 1-2).

۲- شیطان باعث شد که مردم از هارون درخواست کنند که او برای آن‌ها گوسالهُ طلایی را بسازد: هنگامی که موسی از کوه بالا می‌رفت به بنی‌اسرائیل گفت: «در پایان روز چهلم و هنگام شش ساعت نخست آن (قبل از ظهر) من باز خواهم گشت.» آن‌ها فکر می‌کردند که روزی که او از کوه بالا رفت (هفتم سیوان ۱) باید در این محاسبه گنجانده شود. بنابراین، از آنجا که سیوان ۳۰ روز داشت، انتظار می‌رفت که او قبل از ظهر در شانزدهم تَمُوز<sup>۲</sup> باز گردد. اما، در واقع، او به آن‌ها «بعد از چهل روز کامل» - هر روز به همراه شب آن که قبل از آن قرار دارد - (همچنان که محاسبه مرسوم یهودی است؛ نک: سِفْرُ پیدایش ۱: ۵) گفته بود. درباره روز بالا رفتن موسی، شب آن، بخشی از آن نبود تا بتوان آن را یک روز کامل به حساب آورد، زیرا که او در هفتم سیوان در اوایل صبح بالا رفت، بنابراین نتیجه می‌شود که روز چهلم واقعاً به هفدهم تَمُوز می‌افتاد و نه، همچنان که مردم اعتقاد داشته‌اند، به شانزدهم آن. در شانزدهم تَمُوز شیطان آمد و جهان را آشفته کرد، و به آن ظاهر تاریکی، تیرگی و بی‌نظمی داد تا مردم بگویند: «مطمئناً موسی مرده است، و به این دلیل در جهان آشفته‌گی وارد شده است!» او به آن‌ها گفت: «آری، موسی مرده است، زیرا که شش ساعت (ظهر) هم‌اکنون فرا رسیده است و او بازنگشته است.» (Tanakh, Rashi, Exodus, Rashi on Exodus 32:1 (1)). بنا بر روایت دیگر، بعد از چهل روز شیطان آمد و جهان را با طوفان آشفته کرد طوری که برای بنی‌اسرائیل به نظر آمد که بعد از ظهر است در حالی که واقعاً هنوز صبح بود. شیطان به یهودیان گفت: «معلم شما موسی کجا است؟» آن‌ها به او گفتند: «او از کوه بالا رفته است.» او به آن‌ها گفت: «ساعت شش فرا رسیده است و او هنوز نیامده است. مسلماً او نخواهد آمد.» و آن‌ها هیچ توجهی به حرف او نکردند. شیطان به آن‌ها گفت: «موسی مرده است.» و آن‌ها هیچ توجهی به حرف او نکردند. سرانجام، او تصویری از بستر مرگ موسی و تصویری از جسد او را در ابر به آن‌ها نشان داد. و تنها آن وقت بود که قوم یهود به هارون گفتند: «برخیز و برای ما خدایان بساز که پیش روی ما بخرامند، زیرا این مرد، موسی، که ما را از زمین مصر بیرون آورد، نمی‌دانیم او را چه شده است» (سِفْرُ خُرُوج ۳۲: ۱) (Talmud, Babylonian, Shabbat, 89a: 6; Cohen, 56-57).

۱. ماه نهم تقویم عبری، معادل مه/ژوئن و حدود خرداد (آترمن، ۳۶۰).

۲. ماه دهم تقویم عبری، موافق ژوئن/ژوئیه و حدود تیر ماه (آترمن، ۳۵۷).

توجیه بالا را که مردم در محاسبه روز پایین آمدن موسی از کوه و نیز در تشخیص بین قبل از ظهر و بعد از ظهر آن روز اشتباه کردند، می‌توان در آیه زیر پیدا کرد که بنا بر آن موسی تا روز بعد، یعنی روز بعد از این که آن‌ها گوساله را ساختند، از کوه پایین نیامد: «و هارون ندا در داده، گفت: '... فردا عید یهوه می‌باشد.' و بامدادان برخاسته، قربانی‌های سوختنی گذرانیدند...» (سفر خروج ۳۲: ۵-۶). و تنها پس از آن «خداوند به موسی گفت: روانه شده، بزیر برو، زیرا که این قوم تو که از زمین مصر بیرون آورده‌ای، فاسد شده‌اند.» (سفر خروج ۳۲: ۷).

۳- خدا مقصر بود زیرا که اولاً او آن‌ها را به مدت چهارصد و سی سال در مصر که در آن در معرض بت‌پرست‌ترین تمدن‌های باستانی قرار داشتند برده کرد (سفر خروج ۱۲: ۴۰) (Midrash, Midrash Rabbah, Shemot Rabbah, 43: 7) و ثانیاً او وقتی که آن‌ها مصر را ترک می‌کردند، طلا و نقره فراوانی را به آن‌ها داد (سفر خروج ۱۱: ۲؛ ۱۲: ۳۵-۳۶) (Talmud, Babylonian, Berakhot 32a: 8). در مورد دلیل دوم از مکتب ربی ینایی (Rabbi Yannai) نیز آمده است: «موسی در پیشگاه واحد قدوس، متبارک باد او، گفت: ای سرور جهان، به خاطر طلا و نقره‌ای که تو در هنگام خروج از مصر به قوم یهود انفاق کرده‌ای تا این که گفتند: 'دیگر کافی است'، این ثروت باعث شد که قوم یهود برای خودشان خدایان طلایی را بسازند.» (Talmud, Babylonian, Sanhedrin 102a: 14).

۴- هارون با اکراه گوساله طلایی را ساخت تا از ارتکاب گناه غیرقابل بخشش قتل دو رهبر در یک روز توسط بنی اسرائیل و در نتیجه تبعید همه آن‌ها جلوگیری کند: موسی در طی غیبت خود حور را به همراه هارون به عنوان رهبر مردم منصوب کرد: «و [موسی] به مشایخ گفت: برای ما در اینجا توقف کنید، تا نزد شما برگردیم، همانا هارون و حور با شما می‌باشند. پس هر که امری دارد، نزد ایشان برود.» (سفر خروج ۲۴: ۱۴). در زمانی که بنی اسرائیل در شرف ساختن گوساله طلایی بودند در ابتدا نزد حور، که پسر مریم و کالیب دانسته می‌شود، آمدند، و به او گفتند: «برای ما خدایی بساز!» از آنجا که او به حرف آن‌ها گوش نداد، برخاستند و او را کشتند. به این دلیل بعداً در نوییم (Nevi'im) (انبیاء، Prophets) نوشته شده است: «در دامن‌های تو نیز خون جان فقیران بی‌گناه یافته شد. آن‌ها را در نقب زدن نیافتم بلکه بر جمیع آن‌ها» (کتاب ارمیاء نبی ۲: ۳۴). این به خون حور اشاره می‌کند. پس از آن، آن‌ها نزد هارون رفتند و به او گفتند: «برای ما خدایی بساز!» هارون از آنچه که آن‌ها با حور کردند مطلع شد، و ترسید. بنابراین

نوشته شده است: «و چون هارون این را بدید، مذبحی پیش آن بنا کرد» (سفر خروج ۳۲: ۵). هارون ترسید که مبدا شخصی باشد که قرار است کشته شود. هارون گفت: «باید چکار کنم؟ آن‌ها قبلاً حور را کشته‌اند، و او نبی بود. اینک اگر آن‌ها مرا، کاهن، بکشند، کلامی را که بعداً در کتاب مقدس نوشته خواهد شد تحقق بخشیده خواهد شد: «و آیا می‌شود که کاهنان و انبیاء در مقدس خداوند کشته شوند؟» (کتاب مراثی ارمیاء ۲: ۲۰). اگر آن‌ها مرا بکشند، همگی تبعید خواهند شد» (Midrash, Midrash Rabbah, Vayikra Rabbah 10: 3; Midrash, Midrash Tanchuma, Ki Tisa, Siman 19: 2). بنا بر روایت دیگری، هارون با خودش گفت: «اگر من الآن به حرف آن‌ها گوش ندهم، آن‌ها مرا نیز مثل او خواهند کشت و آیه «و آیا می‌شود که کاهنان و انبیاء در مقدس خداوند کشته شوند؟» (کتاب مراثی ارمیاء ۲: ۲۰) از طریق من تحقق بخشیده خواهد شد، و آن‌ها هرگز راه چاره‌ای برای چنین گناهی نخواهند داشت. لذا مصلحت این است که برای آن‌ها گوساله را بسازم، زیرا که احتمالاً برای آن‌ها از طریق توبه راه چاره‌ای وجود خواهد داشت» (Talmud, Babylonian, Sanhedrin 7a: 3-4).

۵- هارون برای به دست آوردن فرصت بیشتر جشن را به روز بعد موکول می‌کند و گوساله طلایی و مذبح را به قصد تقدیم آن به یهوه و نه گوساله می‌سازد: بر طبق تفسیری، «و چون هارون این را بدید، مذبحی پیش آن بنا کرد...» (سفر خروج ۳۲: ۵). او چه دید؟ او شرایط را این‌گونه دید: اگر آن‌ها آن را بنا کنند، یکی سنگ‌ریزه و دیگری سنگ بزرگ‌تر خواهد آورد، و آن‌ها در یک روز ساختن بت را به پایان خواهند رساند. اگر من آن را بنا کنم، سپس می‌توانم معطل کنم و دست‌دست کنم، و به معلم ما موسی فرصت بدهم تا از کوه پایین بیاید و سپس این بت‌پرستی را از بین ببرد. و اگر من آن را بنا کنم، می‌توانم آن را به نام واحد قدوس، متبارک باد او، تقدیم کنم، بنابراین نوشته شده است: «... و هارون ندا در داده، گفت: فردا عید یهوه می‌باشد.» (سفر خروج ۳۲: ۵). نوشته نشده است: «عید گوساله»، بلکه نوشته شده است: «عید یهوه» (Midrash, Midrash Rabbah, Vayikra Rabbah 10: 3).

۶- هارون گوساله طلایی را ساخت تا مانع به دوش گرفتن بار گناه ساختن آن توسط بنی اسرائیل شود: بنا بر تفسیر دیگری: «و چون هارون این را بدید، مذبحی پیش آن بنا کرد...» (سفر خروج ۳۲: ۵). او چه دید؟ او شرایط را این‌گونه دید: اگر آن‌ها آن را بنا کنند گناه آن بر دوش آن‌ها خواهد بود، اما بهتر است که من آن را بنا کنم، تا گناه آن بر

دوش من باشد و نه مردم (Midrash, Midrash Rabbah, Vayikra Rabbah 10: 3).

۷- صلح‌دوستی و صلح‌طلبی هارون باعث شد که او گوساله‌طلایی را بسازد: هارون صلح را دوست می‌داشت و صلح را طلب می‌کرد و بین افراد با یکدیگر و بین زن و شوهر صلح و آشتی برقرار می‌کرد و همه مردم را دوست می‌داشت (Talmud, Babylonian, Avot 12:1). D'Rabbi Natan بنا بر یک روایت، این صلح‌دوستی رویکرد هارون نسبت به گوساله‌طلایی را تعیین کرد. او می‌توانست همه کسانی را که آن را پرستش کردند، به قتل برساند، همچنان که موسی انجام داد، اما عشق و شفقتش به مردم مانع او شدند. او اقناع صلح‌آمیز را بهترین روش القای عشق به تورات می‌دانست و بنابراین هیلل (Hillel) گفت: «از شاگردان هارون باش که صلح را دوست می‌داشت و صلح را طلب می‌کرد، نوع بشر را دوست می‌داشت و آن‌ها را به تورات نزدیک می‌کرد» (Mishnah, Pirkei Avot 1: 12).

۸- جادوگران گوساله‌طلایی را با کارهای جادویی خود ساختند و آن را به حرکت کردن وا داشتند و یا آن به علت تراش‌های که میکاه شریب آن را در آتش انداخت و یا به علت صفحه‌ای طلایی که روی آن نام روح‌القدس نوشته شده و شکل یک گوساله حک شده بود و هارون آن را در آتش انداخت از آن بیرون آمد: هارون، به امید این که فرصت بیشتری به دست بیاورد تا موسی به اردوگاه بازگردد، به بنی‌اسرائیل گفت: «گوشواره‌های طلا را که در گوش زنان و پسران و دختران شما است، بیرون کرده، نزد من بیاورید» (سفر خروج ۳۲: ۲). هارون به آن‌ها گفت که این کار دشوار را انجام بدهند زیرا که می‌دانست زنان با آن موافقت نخواهند کرد. آن‌ها معجزات و کارهایی را که واحد قدوس، متبارک باد او، برای آن‌ها در مصر انجام داده بود، و آنچه را که در دریای سرخ و در کوه سینا رخ داده بود دیده بودند، و بنابراین به طرف مردان رفتند و گفتند: «خدا نهی فرمود که ما واحد قدوس، متبارک باد او، را، که همه این معجزات و کارهای قدرتمند را به خاطر ما انجام داده است، ترک کنیم تا بت بسازیم.» اما، مردان از گوش دادن به حرف‌های آن‌ها خودداری کردند و بلافاصله گوشواره‌های خودشان را اهدا کردند: «پس تمامی گوشواره‌های زرین را که در گوش‌های ایشان بود بیرون کرده، نزد هارون آوردند» (سفر خروج ۳۲: ۳). آیه نمی‌گوید: «در گوش‌های زنان ایشان»، بلکه می‌گوید: «در گوش‌های ایشان». ربی ارمیا (R. Jeremiah) معتقد بود که وقتی که آن‌ها گوشواره‌هایشان را نزد او آوردند، هارون چشمان خود را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «به سوی تو چشمان خود را بر می‌افرازم، ای که بر آسمانها جلوس فرموده‌ای!»

(کتاب مزامیر ۱۲۳: ۱). تو که همه افکار را می‌دانی می‌دانی که من این کار را با اکراه می‌کنم» (Midrash, Midrash Tanchuma, Ki Tisa, Siman 19: 3-4). به محض این‌که هارون گوشواره‌های آن‌ها را در آتش در بوتۀ ذوب انداخت، در حالی که هنوز امید داشت که موسی باز خواهد گشت، جادوگران در میان گروهی مختلط که با آن‌ها از مصر بیرون آمده بودند آمدند و با هنر جادویی‌شان گوسالۀ طلائی را ساختند (Tanakh, Rashi, Rashi on Exodus 32: 4 (2)). بنابر روایت دیگری، هارون گوشواره‌های آن‌ها را در آتش انداخت، در حالی که هنوز امید داشت که موسی باز خواهد گشت. اما، بلافاصله، در نتیجۀ تراشه‌ای که میکاه شریر آن را در آتش انداخت، گوساله‌ای زنده و جَسْت و خیز کننده بیرون آمد. این تراشه را، که حاوی کلمات *ללה שור* (aleh shor، «ای گاو نر، بالا بیا») (یوسف به گاو نر تشبیه می‌شود (نک: سفر تثنیه ۳۳: ۱۷)) بود، موسی قبلاً وقتی که می‌خواست تابوت یوسف به سطح آب بالا بیاید تا بتواند جسدش را به ارض اسرائیل منتقل کند در رود نیل انداخته بود (Tanakh, Rashi, Rashi on Exodus 32: 4 (2); Midrash, Midrash Tanchuma, Ki Tisa 19: 4). بر طبق روایت دیگری، جادوگران گوساله را به حرکت کردن واداشتند چنان‌که گویی آن زنده است (Midrash, Midrash Rabbah, Shir HaShirim Rabbah, Parasha 1:9 (3)). بنابر روایت دیگری، هارون در میان گوشواره‌های آن‌ها یک صفحۀ طلائی را که بر روی آن نام روح‌القدس نوشته شده بود، و روی آن شکل یک گوساله حک شده بود پیدا کرد، و تنها آن (صفحه) را در کورۀ آتشین انداخت، همچنان‌که گفته شده است، «پس به من [هارون] دادند، و آن را در آتش انداختم و این گوساله بیرون آمد» (سفر خروج ۳۲: ۲۴). در اینجا نوشته نشده است، «و من آن‌ها را در آتش انداختم»، بلکه نوشته شده است، «و [من] آن را در آتش انداختم و این گوساله بیرون آمد.» گوساله در حالی که مو می‌کشید بیرون آمد، و بنی‌اسرائیل آن را دیدند، و به خاطر آن گمراه شدند (Midrash, Pirkei DeRabbi Eliezer 45: 4-5).

۹- انگیزۀ هارون در ساختن گوسالۀ طلائی خیر بود، زیرا که خدا، با وجود ساختن آن، مقام عالی کهانت را از او مضایقه نکرد (Midrash, Midrash Rabbah, Vayikra Rabbah 10: 3; Midrash, Midrash Rabbah, Shemot Rabbah, 37: 2).

۱۰- هارون به خاطر ساختن گوسالۀ طلائی به سختی مجازات شد زیرا که مرگ بعدی دو تن (ناداب و ابیهو) از پسرانش (ناداب، ابیهو، العازار و ایتامار) به نقش او در این حادثه

نسبت داده شده است (نک: سفر لایوان ۱۰: ۱-۳؛ سفر اعداد ۳: ۲-۴؛ ۲۶: ۶۰-۶۱؛ کتاب اول تواریخ ایام ۲۴: ۱-۲) (Midrash, Midrash Rabbah, Vayikra Rabbah 10: 5).

### ۵-۲. هارون و ناطاعتی از دستور خدا در کنار آب‌های مریبه

بنابر سفر اعداد ۲۰: ۱-۱۲ (نیز نک: سفر اعداد ۲۰: ۲۳-۲۶؛ ۲۷: ۱۲-۱۴؛ سفر تثنیه ۳۲: ۴۸-۵۲)، موسی از دستوری که در سفر اعداد ۲۰: ۸ دریافت داشته بود، در دو مورد ناطاعتی می‌کند و به بی‌ایمانی محکوم می‌شود: او به جای سخن گفتن با صخره، با قوم سخن گفت، و با چوب‌دستش صخره را دو بار نیز زد (کتاب مقدس ترسایان، ۳۸۸، پاورقی ز؛ کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، ۱۵۱، پاورقی\*).

به نظر سارنا هیچ روایت روشنی از نقش هارون در این حادثه به جا نمانده است. خلاصه شعری این روایت تنها نام موسی را می‌برد که به خاطر این که قوم بنی‌اسرائیل در کنار چشمه مریبه خدا را خشمگین ساختند، از ورود به سرزمین موعود محروم شد: «و او را نزد آب مریبه غضبناک نمودند. حتی موسی را به خاطر ایشان آزاری عارض گردید.» (کتاب مزامیر ۱۰۶: ۳۲). هیچ توجیه‌ای در مورد مرگ هارون در بیابان نه در سفر اعداد ۳۳: ۳۷-۳۸ و نه در سفر تثنیه ۱۰: ۶ به دست داده نمی‌شود، به جز این که قطعه دومی به دنبال داستان گوساله طلایی (سفر تثنیه ۹: ۷-۲۹) می‌آید و این توالی احتمالاً بر ارتباط بین این دو حادثه اشاره دارد (Sarna, 1/210). با وجود این، بر طبق سفر اعداد ۲۰: ۱۲، هارون هم مثل موسی در حضور قوم بنی‌اسرائیل حرمت قدوسیت خدا را نگه نداشت: «خداوند به موسی و هارون گفت: چون که مرا تصدیق نمودید تا مرا در نظر بنی‌اسرائیل تقدیس نمایید...» (نیز نک: سفر اعداد ۲۰: ۲۳-۲۶؛ ۲۷: ۱۲-۱۴؛ سفر تثنیه ۳۲: ۴۸-۵۲).

در تلمود «ربی شیمعون بن العازار (Rabbi Shimon ben Elazar) گفت: حتی موسی و هارون به علت گناهشان مردند، همچنان که گفته شده است: «و خداوند به موسی و هارون گفت: چون که مرا تصدیق نمودید تا مرا در نظر بنی‌اسرائیل تقدیس نمایید، لهذا شما این جماعت را به زمینی که به ایشان داده‌ام داخل نخواهید ساخت» (سفر اعداد ۲۰: ۱۲). اگر شما مرا تصدیق می‌نمودید و با صخره سخن می‌گفتید همچنان که امر شده‌اید که سخن بگویید، زمان مرگ شما هنوز فرا نمی‌رسید (Talmud, Babylonian, Shabbat 55b: 2).

اصل این توجیه تلمود یا تورات شفاهی را که هارون هم، مثل موسی، به خاطر

نااطاعتی از دستور خدا در کنار آب‌های مَریّه به قوم خود ملحق شد و از ورود به سرزمین موعود محروم شد، می‌توان در تورات کتبی دید، آنجا که گفته شده است: «خداوند در همان روز موسی را خطاب کرده، گفت: 'به این کوه عَبَّاریم یعنی جبل نَبُو که در زمین موآب در مقابل اریحا است برآی، و زمین کنعان را که من آن را به بنی‌اسرائیل به ملکیت می‌دهم ملاحظه کن و تو در کوهی که به آن بر می‌آیی وفات کرده، به قوم خود ملحق شو، چنانکه برادرت هارون در کوه هور مُرد و به قوم خود ملحق شد. زیرا که شما در میان بنی‌اسرائیل نزد آب مریبا قادش در بیابان صین به من تقصیر نمودید، چون که مرا در میان بنی‌اسرائیل تقدیس نکردید. پس زمین را پیش روی خود خواهی دید، لیکن به آنجا به زمینی که به بنی‌اسرائیل می‌دهم، داخل نخواهی شد.» (سفر تثنیه ۳۲: ۴۸-۵۲؛ نیز نک: سفر اعداد ۲۰: ۱۲، ۲۳-۲۶؛ ۲۷: ۱۲-۱۴).

### ۳-۵. هارون و سرزنش موسی به‌خاطر گرفتن زن حبشی و نیز اعتراض به برتری مرتبه نبوی او

بر طبق سفر اعداد ۱۲: ۱-۱۶، مریم و هارون، موسی را یکی به‌خاطر گرفتن زن حبشی سرزنش می‌کنند، و دیگر این که آن‌ها به برتری مرتبه نبوی او نسبت به خودشان اعتراض می‌کنند.

به عقیده ابن عزرا (Ibn Ezra)، منظور از زن کوشی صَفُورَه است، زیرا که او مدیانی بود (نک: سفر خروج ۲: ۱۵-۲۱). مدیانی‌ها اسماعیلی هستند (نک: کتاب داوران ۸: ۲۴) و آن‌ها در چادرهایی که در بیابان در زیر آفتاب داغ بر پا می‌شوند، زندگی می‌کنند (نک: کتاب حَبَقُوق نبی ۳: ۷). آن‌ها به دلیل آفتاب خیلی سوخته هستند (نک: کتاب غزل‌های سلیمان ۱: ۵). آن‌ها اصلاً هیچ سفیدی ندارند. صَفُورَه سیاه و مثل یک کوشی بود (Tanakh, Ibn Ezra, Numbers, Ibn Ezra on Numbers 12: 1: 2).

به عقیده ربّی‌ها، صَفُورَه شکایت کرد که موسی از وقتی که برای دریافت وحی الهی انتخاب شد از داشتن روابط جنسی با او دست کشیده است. ربّی‌ها می‌گویند که مریم بر له صَفُورَه سخن گفت و استدلال کرد که او نیز نبیّه است و با وجود این از روابط جنسی با شوهرش پرهیز نمی‌کند. آن‌ها شک داشتند که موسی از خوابیدن با صَفُورَه تنها به دلیل این که زیبا نبود و نه به دلیل این که او [موسی] نبی بود خودداری کرد. به عقیده ابن عزرا، آیه «به سبب زن کوشی که موسی گرفته بود» را باید چنین فهمید: زیرا که موسی از خوابیدن با او به دلیل این که کوشی بود خودداری کرد (Tanakh, Ibn Ezra, Numbers, Ibn Ezra on Numbers 12: 1: 3).



یَهُوه به اعتراض مریم و هارون به برتری مرتبه نبوی موسی نسبت به خودشان با بیان ماهیت بی‌مانند و صمیمی وحی‌هایش به موسی (سفر اعداد ۱۲: ۶-۸)، و به سرزنش آن‌ها به او به خاطر گرفتن زن حبشی با مبتلا کردن مریم به جذام پاسخ می‌دهد (سفر اعداد ۱۲: ۱۰؛ سفر تثنیه ۲۴: ۹).

رَبّی‌ها نام بیماری جذام، "metzora metsora" را نشان‌دهنده علت آن، گناه تهمت، "MoTzi shem R. motsee shem" می‌دانستند (Midrash, Midrash Rabbah, Vayikra Rabbah, 16: 1-6). «رَبّی شیمعون گفت: 'بلائی جذام بر کسانی که تهمت می‌زنند نازل می‌شود. ما در مورد هارون و مریم چنین می‌یابیم که به موسی تهمت زدند و عذاب بر آنان نازل شد.'» بلائی جذام بر مریم و نه بر هارون نازل شد: ۱- زیرا که مریم بدگویی را شروع کرده و آن را بر زبان آورده بود: «صَقُورَه، همسر موسی، رفت و درباره آن با مریم سخن گفت؛ مریم رفت و درباره آن با هارون سخن گفت، و هر دو برخاستند و پشت سر آن مرد درستکار [موسی] بد گفتند.» (Talmud, Babylonian, Avot D'Rabbi Natan 9: 2). مریم بدگویی را شروع کرده و آن را بر زبان آورده بود، زیرا که اولاً فعل جمله در سفر اعداد ۱۲: ۱، با وجود این‌که فاعل آن «مریم و هارون» است، به صیغه مؤنث، va-tedabber be-، «او [مریم] بر علیه... سخن گفت» آمده است و جمله لفظ به لفظ می‌گوید: «مریم و هارون، او [مریم] بر علیه موسی سخن گفت.» و ثانیاً نام مریم قبل از نام هارون قرار گرفته است (Tanakh, Ibn Ezra, Numbers, Ibn Ezra on Numbers 12: 1: 2; Fox, 309 {Numbers 12: 10}; Nowell, Numbers 12: 10-16; Stern, 14/311). ۲- زیرا که هارون وارد جزئیات موضوع نشد در حالی که مریم شد (Talmud, Babylonian, Avot D'Rabbi Natan 9: 2). ۳- به عقیده ابن عزرا، مریم علیه موسی سخن گفت، و هارون ساکت بود یا موافقت کرد (Tanakh, Ibn Ezra, Numbers, Ibn Ezra on Numbers 12: 1: 1). ۴- هارون، احتمالاً به خاطر مصونیت کاهنی، از مجازات الهی نجات می‌یابد (Sarna, 1/209).

موسی به درخواست هارون برای مریم شفاعت می‌کند-که بدین وسیله صمیمیتش را با خدا ثابت می‌کند-و بعد از هفت روز قرنطینه، سلامتی مریم بازگردانده می‌شود. و اما در تحقیقات جدید کتاب مقدس، به نظر گرینشتاین (Greenstein)، این حادثه افسانه است و دلیل آن هم این است که جذام مریم به هشدار برای هرکسی تبدیل می‌شود که در پیروی از دستورات کاهنان قصور می‌کند (سفر تثنیه ۲۴: ۸-۹) (Greenstein, "Miriam", 9/6062).

## ۶- نتیجه‌گیری

در کتاب مقدس عبری و آگادا، سه گناه به هارون نسبت داده شده است: ساختن گوساله طلایی؛ ناطاعتی از دستور خدا در کنار آب‌های مریبه؛ سرزنش موسی به‌خاطر گرفتن زن حبشی و نیز اعتراض به برتری مرتبه نبوی او.

در تحقیقات جدید کتاب مقدس، روایت گوساله طلایی هارون نه تاریخ توصیفی بلکه مجادله بر علیه آیینی است که یربعام اول آن را برقرار کرده است؛ هیچ روایت روشنی از نقش هارون در روایت ناطاعتی هارون از دستور خدا در کنار آب‌های مریبه به جا نمانده است؛ و روایت سرزنش موسی به‌خاطر گرفتن زن حبشی و نیز اعتراض به برتری مرتبه نبوی او افسانه دانسته شده است. از این‌رو، ارتکاب این گناهان توسط هارون و در نتیجه نیاز به توجیه آن‌ها منتفی است.

و اما در آگادا، برخلاف تحقیقات جدید کتاب مقدس، کتاب مقدس عبری وحی الهی و خطاناپذیر است. از این‌رو، سه روایت بالا مربوط به هارون روایت تاریخی است و نه مجادله و نه افسانه. از این‌رو، هارون مرتکب این گناهان شده است و در نتیجه نیاز به توجیه آن‌ها برای کم کردن بار منفی آن‌ها از نظر و از طرف آگادا ضرورت می‌یابد.

آگادا این گناهان هارون را گاهی از یک طریق و گاهی به طرق مختلف توجیه می‌کند. در آگادا، در مورد گناه ساختن گوساله طلایی، بر خلاف دو گناه دیگر، به‌خاطر اهمیت بت‌پرستی توجیهات زیادی آمده است.

در آگادا، این سه گناه هارون گاهی از طریق بیان علت پیدایش آن‌ها، و گاهی از طریق بیان عواقب آن‌ها، یعنی توانی که او پس داده است توجیه می‌شود. همچنین این گناهان هارون گاهی به‌طور طبیعی و این جهانی و گاهی به‌طور ماوراء طبیعی توجیه می‌شود. نیز این سه گناه هارون گاهی از طریق دلایل در حیطه اختیار هارون و گاهی از طریق دلایل خارج از حیطه اختیار او توجیه می‌شود. همچنین این گناهان هارون گاهی از طریق نفی خودخواهی او و اثبات دیگرخواهی او توجیه می‌شود.

توجیهات گناهان منسوب به انبیاء از جمله هارون در کتاب مقدس عبری توسط ربی‌های آگادا با اصل خطاناپذیری کتاب مقدس به عقیده آن‌ها همخوانی ندارد، زیرا که اگر کتاب مقدس عبری خطاناپذیر باشد، در این صورت گناهان ثبت‌شده انبیاء از جمله هارون در آن درست هستند و در نتیجه نیازی به توجیه ندارند. همچنین توجیهات گناهان منتسب به انبیاء از جمله هارون در کتاب مقدس عبری توسط ربی‌های آگادا با

اصل خطاپذیری انبیاء توسط آن‌ها نیز همخوانی ندارد، زیرا که اگر انبیاء از جمله هارون خطاپذیر باشند، در این صورت، با توجه به اصل خطاناپذیری کتاب مقدس عبری، گناهان منتسب به آن‌ها در کتاب مقدس عبری وحی الاهی بوده و درست هستند و در نتیجه هم نیازی به توجیه ندارند. مضاف بر این، این توجیحات گناهان منسوب به انبیاء از جمله هارون در کتاب مقدس عبری توسط رّبی‌های آگادا با دلایل ذکر شده ثابت گناهان منتسب به انبیاء از جمله هارون در کتاب مقدس عبری از سوی آن‌ها هم همخوانی ندارد، زیرا که باعث می‌شود آن گناهان انبیاء از جمله هارون، آنگاه که ما از گناهکاری‌مان آگاه می‌شویم مانع ناامیدی ما نشوند، طریق توبه را به ما نشان ندهند و به عنوان هشدار به ما عمل نکنند که ما نباید هیچ انسانی را کامل بدانیم یا او را به مقام خدایی برسانیم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## منابع

۱. آنترم، آلن، باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم: انتشارات ادیان و مذاهب، ۱۳۹۱.
۲. کتاب مقدس، ترجمه تفسیری، شامل عهد عتیق و عهد جدید، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۳. کتاب مقدس ترسایان، مقدمه و توضیحات طبق ترجمه بین‌الکلیسایی کتاب مقدس، ایران: انجمن کتب مقدسه، ۲۰۱۵م.
۴. کتاب مقدس، یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید، که از زبان‌های اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی ترجمه شده است، لندن: انجمن پخش کتب مقدسه، ۱۹۸۸-۱۹۸۶م.
۵. کتاب‌هایی از عهد عتیق (کتاب‌های قانونی ثانی) بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، ترجمه‌ی پیروز سیار، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.
۶. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
7. Abrahams, Israel, "Moses, Biblical View, Biography", in Encyclopaedia of Judaica, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, 2007, vol 14, pp 522-526.
8. Birnbaum, Philip, A Book of Jewish Concepts, New York: Hebrew Publishing Co, 1964.
9. Cohen A, Everyman's Talmud, London: J. M. Dent & Sons LTD, 1949.
10. Fox, Nili s., "Numbers, Introduction and Annotations" in The Jewish Study Bible, Editors: Adele Berlin and Marc Zvi Brettler, New York: Oxford University Press, 2004.
11. Friedländer M, The Jewish Religion, London: Shapiro, Vallentine & Co, New Edition Revised & Enlarged, 1921.
12. Friedländer M, Text-Book of the Jewish Religion, London: Kegan Paul, Trench, Trubner & Co., Thirteenth Edition, 1928.
13. Goitein, Shelomo Dov, "Aaron, In the Koran and in Islamic Literature", in Encyclopaedia of Judaica, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, 2007, vol 1, p 211.
14. Greenberg, Moshe and Sperling, S. David, "Exodus, Book of", in Encyclopaedia of Judaica, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, 2007, vol 6, p 612-623.
15. Greenstein, Edward L., "Aaron", in The Encyclopedia of Religion, Lindsay Jones (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, 1987, vol 1, pp 1-2.
16. Greenstein, Edward L., "Miriam", in The Encyclopedia of Religion, Lindsay Jones (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, 1987 and 2005, vol 9, p 6062.
17. <https://www.sefaria.org>, Midrash.
18. <https://www.sefaria.org>, Mishnah.
19. <https://www.sefaria.org>, Talmud, Babylonian.
20. <https://www.sefaria.org>, Talmud, Jerusalem.
21. <https://www.sefaria.org>, Tanakh.
22. Nowell, Irene, "Numbers" in the New Collegeville Bible Commentary, series editor: Daniel Durken, Collegeville, Minnesota: Liturgical Press, 2017.
23. Sarna, Nahum M., "Aaron, Biblical Information", in Encyclopaedia of Judaica, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, 2007, vol 1, pp 208-210.
24. Smith, Mark S., "Exodus" in the New Collegeville Bible Commentary, series editor: Daniel Durken, Collegeville, Minnesota: Liturgical Press, 2017.
25. Stern, Ephraim and Sperling, S. David, "Miriam", in Encyclopaedia of Judaica, Fred Skolnik (editor in chief), New York: Macmillan Reference USA, In Association With Keter Publishing House LTD., Jerusalem, 2007, vol 14, p 311.
26. Tigay, Jeffrey H., "Exodus, Introduction and Annotations" in The Jewish Study Bible, Editors: Adele Berlin and Marc Zvi Brettler, New York: Oxford University Press, 2004.